

دربارهٔ	
 یکشنبه ۷ مهر ماه ۱۳۸۷	
 برابر با ۲۷ رمضان ۱۴۲۹	
	

عشق را بادل باید نوشت
نبت است بر جریده عالم دوام ما

گشایش این خاکریز، ادای دینی است به قدر وسع به رزم دل‌اورانه هشت ساله مدافعان حریم مام وطن و دلیرمردان صحنه‌های خون و حماسه، آنان که بقول شهیدجمران زمانی که شیپورهای جنگ نواخته شد وصف "مرد آن نامرد" مشخص، مردانه لباس پیکار پایمردی پوشیدند و شولای شهادت بر تن از میانه صاعقه‌های بلا گذشتند.
جمعی از این مردان شریّت نوش رزم شهادت شدند و دیگرانی زخم برداشته و پرشکسته و گنگام هم ایگد در کنار ما و در لای‌لای شهرها و آبادی‌ها همچنان دلشان در تیش ثانیه‌های عشق و پایداری است.
صفحه ایثار بازتابان اینه هشت سال دفاع مقدس و خاطرات و مخاطرات آن و زنده نگه داشتن فتحنامه عشاقی است که در سبزیِ نابرابر، پنجه در پنجه لشکریان صدام و هم‌دستان نابکارش انداختند و مظلومانه از شرف و آبرو و تمامیت ارضی کشور دفاع کردند و خم به آبرو نیاوردند، اکنون نیز یادماندگان دوران افتخار و حماسه در کوجه و خیابان و شهر و روستا و اداره و... سربازان وطن هستند و هرگاه کشور و دین و ناموس خود و مردمانش را در خطر و صدمه ببینند بی گمان دوباره به نیل حادثه می زنند و بر توسن تکتان دلاوری و حمیت نشسته به معرکه می تازند.
رسم ایرانی مسلمان از دیرباز تاکنون همینگونه بوده است. در طول تاریخ هیچگاه فرهنگ و کشور و ... خویش را به دشمن وانهاده و حتی در دوران سیاه تاخت و تاز مغولان هم دوام آورده و هویت ملی وایرانی خود را از فراسوی همه محزونان و غمخواران و درکنار سترگ‌ها جا می گیرند، چند کرده است.
صفحه ایثار این افتخار را دارد که آینه تمام نمای رزمندگان غیور هرمزگانی باشد که از کنار خلیج همیشه فارس تا ساحل ابروند و بهمشیر و بلندی‌های غرب و دشتهای لاله گون جنوب، خون سرخ پاکشان آئین بد خاک میهن می باشد.

از یکایک رزمندگان، ایثارگران، جانبازان و خانواده‌های معززشان صمیمانه دعوت می کنیم تا در انعکاس ایثارگری‌ها و حماسه‌های رزمندگان هرمزگان در هشت سال دفاع مقدس و سرافرازی پس از آن خود با ما همراه باشند و نوشته ها، خاطرات، عکس‌ها، یادمانده‌ها و... خود را در این خصوص برایمان بفرستند تا در صفحه‌ای که با همین نام و آرزو گشاده شده درج گردد.
خاطره‌ها و یادهایی که اگر از سینه‌ها بیرون نیاید به در فراموشی می لغزد، منتظر همدلی‌ها، پینشدها، و آثار و... هم سنگران هستیم.

هرگز نمیرد آنکه دلت زنده شد به عشق

نبت است بر جریده عالم دوام ما

سال هفتم	
 یکشنبه ۷ مهر ماه ۱۳۸۷	
 برابر با ۲۷ رمضان ۱۴۲۹	
	

جنگ داغ روی تن جاده

ساعت ۶ بعدازظهر موقعیت شهدا ، تمام نیروها با شور و اشتیاق فراوان و با هیجانی که در صورت‌ها وصدایشان نمایان است ـ تمام تجهیزات خود را آماده کرده و آنها را به خود می بندند ـ خشاب‌ها را در جیب خشاب‌ها و تارنیک‌ها را به قانونسه‌ها ـ در جادر فرماندهی بی سیم چی گردان، بی سیم خود را امتحان می کند ـ فرمانده گردان به پیک که مشغول بستن سینه بند است، می گوید که به فرمانده گردان‌ها بگویند نیروها را با تمام تجهیزات در بیرون جادرها آماده کنند و پیک باشتاب سینه بند را می بندد و به بیرون جادر می رود ـ

فرمانده گردان‌ها نیروها را خط می کنند ـ کامیونهای پوش کشیده، آماده سوار کردن نیروها هستند ـ فرمانده گردان بسوی اولین گروهان رفته و به فرمانده آنها می گوید که نیروهایش را سوار کند و فرمانده نیز اولین دسته را بسوی کامیون می فرستد و همینطور دسته دوم و سوم را و بعد گروهان دوم و سوم نیز سوار می شوند و فرمانده گردان ، پیک ویی سیم چی و دو معاونش سوار کامیون می شوند و به راه می افتند ـ ساعت ۸/۵ شب کامیون‌ها به موقعیتی نزدیک خط می رسند و نیروها پیاده شده سوار تیوپ‌ها می شوند و به سوی خط پیش می روند ـ ساعت ۹ همه به پشت خاکریزهای می رسند و درکنار سترگ‌ها جا می گیرند، چند دقیقه بعد نیروهای غواص که ازقبیل درمحل‌های مخصوص جا گرفته بودند به ترتیب وارد آب می شوند ـ ساعت ۲ نیمه شب است که از پشت بیسیم صدایی به گوش می رسد: مسلم- مسلم، مصطفی، مسلم- مسلم، مصطفی ـ بی سیم چی بلافاصله جواب می دهد: بگوשמ گوشش را به مسئول محوری دهد ـ از پشت بی سیم شنیده می شود:مسلم ما آماده یروانیم و مسئول محور جواب می دهد: مصطفی چند لحظه پارک کن ـ ساعت ۲/۵ نیمه شب رمز عملیات از پشت تمام بی سیم‌ها به گوش می رسد: یاقاطمه الزهرا ـ نیروهای غواص به خاکریزهای دشمن می زنند و درگیری شدیدی آغازمی شود ـ یک ساعت بعد ، نیروهای آماده پشت خاکریزها سوار قایق‌ها شده و به سرعت به سوی خاکریزهای دشمن پیش می روند ـ

ساعت ۵ صبح به گردان‌ما که در سترگ‌هایی پشت خاکریزخودی آماده بودیم خبر داده شد که آماده حرکت باشیم و نیروها زیر آتش دشمن باجعله سوار قایق‌ها

برکات متفاوت پروردگار عالم کسب کرده باشند ـ موفق ترین انسان است و باید بیش از همه خدا را شاکر باشد ـ

در میان این ملت ، بدون تردید زمینه برخورداری و بهره مند شدن عزیزان جانباز و ایثار گر از فیوضات این ماه شریف به مراتب از همه بیشتر است ـ درست است محرومیت جانبازان از مزایای مادی زندگی از خیلی‌ها بیشتر است ولی در کنار این محرومیت ، امتیاز برای بهره‌مند شدن از فیوضات ماه مبارک رمضان به یقین با بقیه قابل مقایسه نیست ، لذا روی این حساب اگر بگوئیم نعمت جانبازی برای این عزیزان خود یک رحمت است ، این ماه رحمت خدا بیشتر از دیگران فراهم خواهد ساخت ـ این یک مسئله است که انسان بتواند در مقابل ناملایمات زندگی صبور و شکیبا باشد و بالاتر از آن اینکه سلامتی خود را در راه رضای خدا و در جهاد در راه خدا از دست بدهد و بعد از آن سبب دادن سلامتی خود را در راه خدا بتواند صبر و تحمل و شکیبایی لازم را داشته باشد ـ

اگر انسان در سایه صبر و شکر گزاری در مقابل رنج‌ها و محرومیت‌ها بتواند کسب آبرو کند، یقینا در مقابل جانبازی و از دست دادن سلامتی در راه حق، پروردگار عالم زمینه آبرومندی انسان را در حد بسیار زیادی فراهم خواهد ساخت ـ اگر روح شکر گزاری ، اخلاص و صداقت از جانبازان گرفته نشود ، در حقیقت شهدای زنده اند و لحظه لحظه زندگی آنان در حکم شهادت است و گوی سبقت از انسان‌ها را در دنیا انبیا(ع) ربوند چرا که از اثبات بندگی از دیگران جلوتر بودند ، ایثارگران و جانبازان و فرزندان اسلام در این رابطه که در تقویت این روح بندگی روز به روز قدمی جلوتر بر دارند به راهی رفته اند که انبیای عظام رفتند و از خدا باید آن چیزی را بخواهند که انبیا خواستند و یقین بدانند که بر این اساس همانطور که انبیا بر همه انسان‌ها سبقت گرفتند ایثارگران نیز با این دیدگاه ، پیشتان و پیشگام و رستگار خواهند بود هر چند که دنیاپرستان و متظاهرین عافیت طلب غافل از عقاب باریتعالی این بندگان رنج دیده خدا را مورد عتاب و قدرت خویش قرار دهند ـ

ایثار

یادی از عملیات غرور آفرین کربلای ۵



خودی به شدت درمقابل آنها مقاومت کردند. لوله دراز تاگک های دشمن، آتش شدیدی را حواله کانال نیروهای ما می کرد.آنها از بغل کانال را می زدند. شدت انفجارها موجب تخریب دیواره کانال شد. سه آربی جی زن به پشت یکی ازسنگرهای جاده رفتند و یکی از تانک‌ها را شکارکردند.نیروهای خودی روچه گرفتند و فریاد الله اکبرسرداندند و آنها نیز دوباره چندموشک آربی جی شلیک کردند. یکی از تانک‌ها سنگر آربی جی زن‌ها را نشانه گرفت و لحظاتی بعد سنگربا انفجار مهیبی درهم کوبیده شد. سه آربی جی زن شهید شدند. تانک‌ها دوباره شروع به پیشروی کردند، این بار ۶ تانگ دیگر نیز به جمع آنها افزوده شده بود. تانک‌هاباشلیک‌های پی درپی و تیراندازی شدید جلو می آمدند. شدت پاک دشمن به حدی بود که نیروهای خودی راواداربه عقب نشینی کرد. ازیک کامیون ایفای عراقی نیروهای دشمن پیاده شده و شروع به همراهی باتانک‌ها کردند و باز نیروهای خودی قدری عقب ترفرفند. دراین هنگام ۲ تن از نیروهای خودی با آربی جی و تیربار به پشت سنگری در جاده رفتند و زمانی که تاگ دشمن نزدیک شد یکی از آنها با آربی جی تاکنی از عراقی را ازپانداخت و دیگری با تیربار نیروهای عراقی را که از چندمتری اش گذشته بودند به زیر آتش گرفت.نیروهای داخل کانال یا دیدن این صحنه‌ها الله اکبرکنان روچه مضاعفی گرفتند و در برابرعراقی‌ها مقاومت بیشتری کردند. تاگ دیگر دشمن زده شد و همین سبب شد تاگ های دشمن به عقب بر گردند و ۲ تاگ را نیزجا بگذارند.

نیروهای عراقی سواربرایقا که قصد پیاده شدن داشتند نیزبا شلیک آربی جی یکی ازآن سه رزمنده متلاشی شد و بقیه نیروهای عراقی عقب نشینی کردند و نیروهای خودی دوباره جلوتر رفتند وحتی عرض جاده را نیزگرفتند و عراقی‌ها را بسوی کانال آن بین ما و نیروهای دشمن روی داد ـعراقی‌ها دوباره فشار آوردند ولی مقاومت نیروهای ما بسیار زیاد بود. ساعت حدود ۲ بعدازظهر بود که دوباره عراقی‌ها شروع به آتش باری خمپاره ایی شدیدی بر روی کانال‌های نیروهای خودی کردند و بعد از نیم ساعت ؛ باز تاگ‌ها

ایثار

ساعت حدود۶/۵ عصربود.

دشمن از فشار خود قدری کاست

و اوضاع ساکت ترشد ـ در سراسرطول کانال

؛چنان‌ه تعداد زیادی عراقی

به چشم می خورد ـ بر روی جاده نیزچندین

تانگ منهدم شده و در حال سوختن

و چند تانگ سالم عراقی و تعدادی جسد

دیده می شد

که این بار تعدادشان خیلی زیادتربود (۲۵ تاگ) با تاکنیک آتش و حرکت شروع به پیشروی کردند و نیروهای عراقی نیز از طرف راست جاده جلوآمدند. تعدادی از رزمنده‌های ما که در عرض جاده سنگر گرفته بودند یا کشته شدند یا زخمی ـ نیروهای داخل کانال نیز زیر آتش تاگ‌های دشمن مقاومت می کردند و با وجود تیراندازی وشلیک بسیار شدید دشمن؛ چندین تاگ را منهدم کردند وهمین باعث شد تاگ‌های دیگر کمی عقب تروبرند ـتانک‌ها آرایش جنگی گرفتند ویاهم هجوم آوردند که بازهم رزمنده‌ها مقاومت کردند ـ ولی آتش تاگ‌ها بسیار شدید بود و صدای غرش آنها نیز وحشتناک ـ تعدادقابل توجهی از نیروها زخمی ویا شهید شدند و بقیه نیزروحیه باخته بودند و یکی یکی به عقب می نویندند. تاگ‌ها ما نیز جری ترشد همچنان جلوتر می آمدند ـ در این هنگام یکی از هلی کوپترهای ایرانی در بالای سر نیروهای خودی نمایان شد و با شلیک چندین موشک ،تاگ‌ها ی دشمن را هدف قرارداد. رزمندگان ایرانی که شاهد این صحنه بودند روچه گرفتند و با فریاد الله اکبربه سوی تاگ‌ها و نیروهای عراقی که در پناه تاگ‌ها به پیش می آمدند هجوم بردند. بسیاری از نیروهای عراقی کشته شده و بقیه نیزبایه فرار گذاشتند ـ ۱۰ تاگ عراقی برجای ماند و تعدادی عراقی نیز اسیر شدند و دوباره نیروهای ما به جای اول خود در عرض جاده برگشتند ـ ساعت حدود ۶/۵ عصربود. دشمن از فشار خود قدری کاست و اوضاع ساکت ترشد ـ در سراسرطول کانال ؛چنان‌ه تعداد زیادی عراقی به چشم می خورد ـ بر روی جاده نیزچندین تاگ منهدم شده و در حال سوختن و چند تاگ سالم عراقی و تعدادی جسد دیده می شد ـ غروب تر شد و شب سکوت وحشتناکی را حکمفرما کرد ـ فقط هرچند لحظه یکبار تعدادی زیادی گلوله منور از سوی عراقی‌ها به سوی هوا پرتاب می شد تا در روشنی آن نیروهایشان را کنترل کنند و گاهگاهی هم رگبارتیری از سوی عراقی‌ها شلیک می شد ـ رزمنده‌های ما، بسیار خسته ، تشنه و گرسنه بودند ، چند نفر با گونی‌های آب و غذا سرسیدند و آبی را بین بچه‌ها بخش کردند ـ تعدادی از بچه‌ها در سراسر کانال تگ‌هایی می دادند و بقیه در سترگ‌های تصرف شده عراقی‌ها به استراحت پرداختند. ساعت ۵ صبح روبرویم بود. گردان تازه نفس نیروهای خودی برای پیش روی در طول جاده آمدند.فرمانده محوری‌ما دستورداد که به آنها کمک کنیم چون به منطقه

می ایستد و به من که زل زده و خشکیده محو اویم می نگرند.
-اخی گوش نایست ...
منوری تولد می یابد و در چند متری رشته نورهایش را لا بلای ستارگان می بندد و... سرم را به زیر می اندازم، خدایا کاش می شد آب شد و این حرف‌ها را نشنیدم.
درهم فرو می روم انعکاس شکست استخوانهای بدنم در گوشم چندین بار



می دانم که عابد ناشناس و سیاهپوش فانوس‌ها و ثنایش را جای دیگر افروخته که فقط خودش و خدا و ستاره‌ها می دانند.
حتما جایی دنج برای حال عاشقان یافته است.

تکرار می گردد و دیگر توان برخاستن نیست ـ اما نه باید بلند شوم و تا دور نشده روی پاهاش بیافتم ـ حلا لایت بطلم ـ قطره‌ای از درخشش منوری به من می رسد و بلند می شوم که دوباره کسی جلوم گریه یگوشم رسید، صدایی سوزناک که نوحه‌ای را آهسته می خواند ـ
با خود گفتم چرا در این صبح علی الطلوع در خط مقدم نوارگذاشته اند! آهسته از سینه کش خاکریز بالا رفتم تا پشت خاکریز را ببینم و همچنین بفهم جای بلندگویی خط کجاست ـ
از فران خاکریز که نگاه کردم دیدم انگار صدای بلندگو نیست چون مرتب‌کم و زیاد می شد ، کمی خودم را جابجا کردم و از دیدن آن صحنه سرافکنده شدم ـ دیدم که یکی از عزیزان رزمنده که همیشه تکبیر نمازهای جماعت را می گفت پیراهنش را در آورده و طوری روی خاکریز به سینه دراز کشیده که هرنگ خاک باشد و حرکاتش دیده نشود ـ



✓ مرکز بهداشت استان هرمزگان

■ پروردگار عالم به بندگان‌ش نهایت لطف و رحمت را در دنیا و آخرت دارد و رستگاری و عزت و سعادت در زندگی دنیا برای انسان‌هایی است که بتوانند از رحمت الهی بهره بیشتری ببرند و شایستگی بیشتری را در برخورداری از رحمت واسعه پروردگار عالم پیدا کنند ـ

بیشتر آشنا بودیم ـ یک ربع بعد که هوا کمی روشن تریود رزمندگان خودی یک دفعه با آتش تیر بار و آربی جی به سوی عراقی‌ها هجوم بردند و عراقی‌ها که تازه متوجه مرحله جدید عملیات شده بودند مقاومت می کردند که البته فایده‌ای نداشت و بعد از ۱ ساعت درگیری واداربه عقب نشینی شدند ـ دراین هنگام هوا کاملا روشن بود ـ چندین تاگ عراقی به جلو آمدند و در پشت سر آنها ؛نیروهای عراقی سعی در پیش روی داشتن و با مقاومت شدید رزمندگان ما؛ تاگ‌ها را جا گذاشته و به عقب گریختند اما نیروهایشان پاینده گرفتند در سنگر مانع دست یابی ما به اهداف پیش رویمان شدند ـ آنهاهمه توان خود را برای جلوگیری از پیشروی ما بکار گرفته بودند ـ جمعی ازعراقی‌ها ازدو سنگر خود، چهارلول ضدهوایی را بکار انداختند و آتش بسیار زیادی برسر نیروهای ما ریختند و موجب شهید وزخمی شدن تعدادی ازنیروهای ما شدند و درپناه موقعیت ایجادشده ، نیروهای عراقی ستون نیروهای ما را با آربی جی و تیربار مورحملة قراردادند که باعث عقب نشینی نیروها شد ولی باز گروهان جدیدی جلو رفت که آتش چهارلول‌ها بسیار شدید ،نیروها را زمین گیر کرد و به عقب نشینی مجبورشدند و به داخل کانال‌ها بازگشتند ـ

دراین زمان یک لودر که از شب قبل وارد منطقه شده بود جلو آمد تا در وسط جاده ؛ خاکریزی را ایجادکنند تا نیروها بتوانند در پناه آن از عرض جاده بگذرند و از بغل به دشمن هجوم ببرند ـ تمام نیروها به سوی عراقی‌ها شلیک می کردند تا لودر بتواند در پناه آتش آنها کار کند و راننده لودر با خواندن توجه و بی ترس و هراس باسرعت به وسط جاده رفت ـ آتش تیربار و آربی جی و چهارلول دشمن بسویش هجوم برد ولی راننده با روچه و شجاعانه به سرعت شروع به کار کرد ـ رزمندگان از داخل کانال برایشان می خواندند و همه به تعجب به او می نگریستند ـ تقریبا نیمی از خاکریز را که زده بود راننده لودر تیر خوردی شهید شد ـ همه ناامید شدند ولی یک رزمنده دیگر از داخل کانال به سوی لودر رفت و راننده را کنار زد و خود ؛ کار را ادامه داد ـ آتش دشمن بسیار زیاد بود ولی غایت؛ نیروهای خودی احداث شد و تیرنه‌ها بلافاصله به پشت آن رفتند و از بغل به دشمن هجوم بردند و همزمان با آن تعدادی نیز از روبرو به دشمن حمله کردند که دشمن مقاومت می کرد ولی فشارنیروها از بغل به آن‌ها بسیار زیاد ساعت ۲ بعدازظهر نیروهای ما در پشت کانال پرورش خاموش شد و عراقی‌ها هر بار عقب ترفرفند ـ نیروهای عراقی که برای پاک به خط آورده شده بودند اشتباهی را عزانی‌ها را اسیر و تعدادی را هم کشتند ـ این پیشروی تا کانال پرورش مایه ادامه پیدا یافت ـ ساعت ۲ بعدازظهر نیروهای ما در پشت کانال پرورش می موضع گرفتند ـ چندین کامیون ایفای نیروی راهی که برای پاک به خط آورده شده بودند اشتباهی به سوی نیروهای ما آمدند که با آتش شدید نیروهای ما روبرو شدند ویا آربی جی و تیربار کشته شده ویا فرار کردند ـ عملیات کربلای غرور آفرین کربلای ۵ نقطه عطفی درعملیات‌های سپاه اسلام ورزم اوران ایرانی بود و بی شک پیروزی و موفقیت رزمندگان مادران این عملیات گسترده و بزرگ مرموز رمز مقدس یا قاطمه الزهرا(س) بود ـ یاد شهیدان کربلای ۵ و شلمچه عشق گرمی باد ـ

جمال وافی -از فرماندهان بسیجی دفاع مقدس	
	
ایستاده با همان چهره سیاه… – اخی جان اودم بگم از دست من ناراحت نشو کمی عصبی ام، واقعاً منو بخش و دوباره در این حیرت متعب فراوان من از قاب پنجره نگاهم غروب می کند، داغ و شرمنده همانطور کناره دیواره خاکی خاکریز مجاله ، زمین گیر می شوم، دوباره خمپاره‌ها در حال مسابقه اند ،	

جایی دنج برای حال عاشقانه

سید رضاشامی زاده

شب تنها و سنگین روی سقف پرستاره آسمان چنبر زده ، گهگاه زوره گدازای خمپاره ای تشویش را در سرزمین خاکی من زارشی می دمد می نشینم چه مناجات هم دست‌خ را دورگردنم انداخته و بدجوری این ور و آن ور می کشیدم ـ
از لای پتو بیرون می خزم، دورادور منورهای بنفش متلاشی شد و بقیه نیروهای عراقی عقب نشینی کردند و نیروهای خودی دوباره جلوتر رفتند وحتی عرض جاده را نیزگرفتند و عراقی‌ها را بسوی کانال آن بین ما و نیروهای دشمن روی داد ـعراقی‌ها دوباره فشار آوردند ولی مقاومت نیروهای ما بسیار زیاد بود. ساعت حدود ۲ بعدازظهر بود که دوباره عراقی‌ها شروع به آتش باری خمپاره ایی شدیدی بر روی کانال‌های نیروهای خودی کردند و بعد از نیم ساعت ؛ باز تاگ‌ها

نوی اذان آهسته از سنگر مجاور به گوش می رسد و این نوا حکایت از آمدن صبح و وقت نماز داشت ـ به ساعت تکبیر آمدن وجودی که هوا تارنگ تارنگ بوی دل‌وی وقت نماز فرا رسیده بود ـ
از سنگر بیرون زدم و به سوی تاکنر آبی که در کنار یک خاکریز قرار داشت حرکت کردم تا وضو بسازم ـ محوطه آبی بود، چون نیروهای اندکی در آنجا حضورداشتند ـ
شیر تاکنر آب باز بود و از آب خیری نبود ـ یک تاکنر دیگر نیز چند متر آسنوتر از یک خاکریز قرار داشت ـ با عجله آنرا اینکه میباید وقت نماز بگذرد و نماز من قضا شود به سوی آن دویدم ، منوز شیر آب را باز نکرده بودم که صدایی شبیه هق هق

پرکشیدن

در صبح خون

■ **عبدالرضارضاده**

ضرورت بهره مندی جامع تر ایثارگران از ماه مبارک رمضان

_____ [محمد نیمی]



لکه دار شود ، هیچ وقت این به حساب امتیاز و موفقیت در زندگی انسان گذاشته نمی شود ـ اگر انسان در زندگی چه از نظر مادی و چه از نظر جاه و مقام و موقعیتهای اجتماعی به همه امتیازات دست پیدا کند ولی شایستگی بهره‌مند شدن از رحمت الهی را ” در اثر از دست دادن ارزشها“ از دست بدهد، این در زندگی هیچ وقت امتیاز محسوب نمی شود ـ
کامیابی ، رستگاری و موفقیت در زندگی زود گذر برای انسان‌ها به آبرومندی در درگاه پروردگار عالم و برخورداری بیشتر از الطاف ذات حق بستگی دارد ـ ماه مبارک رمضان ماه خودسازی و ماه



هنگام ابتلا کودک به اسهال ، هرگز مصرف آب و مایعات

را محدود نکنید